

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ دسمبر ۲۰۲۲

"یک گام عملی بهتر است از یک دوجین برنامه" از همبستگی مبارزاتی محصلان پوهنتون ننگرهار بیاموزیم!

چهارشنبه- ۳۰ قوس ۱۴۰۱- کابل: در یادداشت امروز خواهم کوشید تا مختصراً در مورد انواع مختلف عکس العمل هائی که در قبال تصمیم وزارت تحصیلات عالی نظام ملاسالار ابراز شده اندکی توضیح داده، حمایت های غیر مستقیم از این تصمیم ضد انسانی را آشکار نمایم:

۱- یک تعداد از کسانی که در اساس با حرکت طالبان اگر موافق هم نباشند نمی خواهند آن را رد نمایند و یا کس و یا کسانی علیه آن مبارزه نمایند، فرمان کنونی ملای لنگ جدید را جناحی دانسته، تلاش می ورزند به بهانه جناحی دانستن این تصمیم ضد انسانی، کلیت طالب و نظام ملاسالار را از آماج حملات مردم دور دارند و در عوض امید کاذب اصلاح طالب از درون در اثر تضاد های درونی آنها را در اذهان حفته نمایند.

یکی از کسان شناخته شده و معروف این طرز تلقین، "خلیلازاد" جاسوس معروف امریکاست. نامبرده می خواهد به دنبال ردالت ها و خیانت های قبلی اش در حق خلق ما، هم خود و امپریالیسم امریکا را بابت سپردن قدرت به طالب تیرئه نماید و هم با ایجاد یک امید کاذب برای طالب و نظام ملاسالار زمان و فرصت بیشتری بدهد تا روند تبدیل افغانستان به "ملاستان" را کامل نمایند.

۲- یک تعداد دیگر از افراد و کشور ها، ضمن آن که این حرکت را تأیید نمی کنند و از نظام ملاسالار تقاضا می نمایند تا بر تصمیم شان تجدید نظر نمایند، از این که حرکت ضد انسانی و تجاوز به حقوق حقه نصفی از نفوس کشور ما را محکوم نمایند، ابا می ورزند.

در رأس این حرکت خالق طالب یعنی دولت پاکستان و تعدادی از وطنفروشان معروف کشور از قماش "کرزی، عبدالله" و افرادی از همان سنخ و قماش قرار دارند. اینها هم بدون آن که بگویند به نحوی از لحاظ اعتقادی پیوند و تباری خود را با طالب به نمایش می گذارند.

۳- یک جمع دیگر که یا خود طالب اند و یا هم عناصر خودفروشی اند که دیروز متاع بنجل خود را در بازار مکاره حاکمیت پوشالی به فروش می رساندند و امروز تلاش دارند تا با فروش زیر و بالای شان، وفاداری شان را به طالب به اثبات برسانند، می دانند که این حرکت طالب از طرف مجموع مردم افغانستان بی پاسخ نخواهد ماند، از همین رو بسیار

زیرکانه و رذیلانه می‌کوشند مردم را بدین بهانه و امید که این تصمیم "موقتی" است، از مبارزه و رویارویی با نظام با خلق امید کاذب باز دارند.

۴- یک گروه دیگر را کسانی تشکیل می‌دهند که اندکی پای‌شان را بیشتر گذاشته، این حرکت طالب و نظام ملاسالار را ضد اسلامی و محکوم می‌نمایند. اما دلیل محکومیت را یا بدنامی اسلام و یا بدنامی خود نظام و تجرید آنها می‌دانند نه این که چنین حرکتی چه به نفع کس و یا کسانی تمام شود و چه به ضرر شان، چون ضد انسانی است و حق خدشه‌ناپذیر نصف نفوس کشور ما را نادیده می‌گیرد محکوم نمایند و از این هراس نداشته باشند که اگر چنین حکمی مبتنی بر صد ها آیت و حدیث هم باشد آن را محکوم نمایند.

بیشترین افراد این طیف را کسانی مانند "گلبدین" و بقیه شارلتان‌های مدعی اسلام سیاسی مطرح می‌نمایند. آنها این حکم را محکوم می‌نمایند چون فکر می‌کنند که ضد اسلامی است نه این که با صدور این حکم حق خدشه‌ناپذیر زنان زیر پای می‌گردد، برای این طیف افراد اگر کسی بتواند حکم را اسلامی ثابت سازد و یا ترس آنها را از احتمال ضرر رفع نماید، پذیرش حکم مشکلی بار نمی‌آورد زیرا آنها نیز به مانند طالب، زنان و حتا مردان جامعه ما را صاحب حق و حقوقی مستقل از این که "عیسی یا موسی و یا محمد" چه گفته، نمی‌دانند.

۵- عکس‌العمل دیگری که این حرکت نظام ملاسالار برانگیخت، محکومیت گسترده و ضد انسانی دانستن این تصمیم است. این طیف که از لحاظ کمی، بیشترین بخش جامعه را می‌سازد، صریح و روشن این تصمیم را ضد انسانی، نابخردانه، ضد حقوق بشر، تبعیض آمیز و نمود بارزی از تبعیض نژادی معرفی می‌نمایند؛ مگر هیچ گاهی به این نکته نمی‌خواهند تماس بگیرند که علیه آن چه باید کرد؟ مقاله می‌نویسند، آن را ضد اسلامی و ضد انسانی معرفی می‌دارند، آن را برای حال و آینده کشور مضر و خطرناک می‌دانند هر مذمتی را که به زبان بیاید از آن دریغ نمی‌ورزند، مگر با تأسف و وظیفه‌شان را با نقد زبانی و احياناً کتبی خاتمه یافته تلقی می‌نمایند.

هموطنان گرامی!

این حرف متوجه آنهایی نیست که از ته دل با طالب همفکر اند و زنان را شایسته و مستحق تحصیل علم نمی‌دانند، متوجه آنهایی هم نیست که می‌خواهند با انتقادهای سراسری برای طالب وقت کمائی نمایند، متوجه آنهاییست که واقعاً این حرکت طالب و نظام ملاسالار را ضد انسانی و تبعیض آشکار علیه زنان و تحقیر جنس زن دانسته آن را محکوم می‌نمایند، از این طیف می‌خواهم در همینجا متوقف نشده، وقتی معتقد اند که این حرکت طالب و نظام ملاسالار ظلمیست بس و عظیم و جنایتیست نابخشودنی، کمر همت را محکم بسته، برای از بین بردن ظلم، دست به عمل بزنند.

هموطنان گرامی!

بیانید از محصلان پوهنتون نگرهاری بیاموزیم، از آنها بیاموزیم که از یک جانب تعهد و همبستگی مبارزاتی شان را با دختران و زنان کشور در عمل اعلام داشتند و به طالب گفتند که نمی‌توانند طبق دلخواه با فرزندان ذکور و یا انات معارف کشور برخورد نمایند و از جانب دیگر در عمل نشان دادند که عمل طالب مورد پذیرش خلق پشتون نیست و اصولاً جنایات طالب هیچ ربطی به خلق پشتون ندارد. از اینها بیاموزیم و در کنار شان ایستاده، آنها را تنها نگذاریم. حرکتی را که در سطح محصلی آغاز یافته به یک جنبش فراطبقاتی و سراسری علیه طالب و بادرانش مبدل بسازیم، فقط در آنصورت است که طالب و طالبیسم را روانه زباله دان تاریخ خواهیم نمود.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع‌ها را مذهبی-طالبی به صورت خاص می‌باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!